



Strategic Approaches of the Islamic Revolution in Preparation for the Reappearance (with Emphasis on the Second step Statement)

Dr. Rouhollah Abbaszadeh ¹

Saeed Asadi ²

Abstract

Achieving sublime human ideals and realizing the divine utopian society are among the lofty objectives of the Islamic Revolution. Within this revolution, every effort is made to fulfill these goals to the greatest extent possible, with their most complete manifestation being realized upon the advent of the luminous sun of divine guardianship (Wilayah). Hence, the Islamic Revolution serves as one of the key drivers paving the way for the reappearance of Imam Mahdi (PBUH). The central question addressed in this study is: What are the strategic policies of the Islamic Revolution for engaging in global transformations and preparing the grounds for the advent of Imam Mahdi (PBUH)? Islamic teachings and the Second Phase of the Revolution statement outline some of these strategic policies. This research employs a descriptive-analytical method, examining the content of the statement alongside other analytical data and Quranic approaches to elucidate the Islamic Revolution's strategic policies in preparing for the rise of the promised savior, Imam Mahdi (PBUH). The strategic policies of the Islamic Revolution for preparing the grounds for the advent include: System Strengthening Strategy (enhancing institutional resilience) Allegiance and Disavowal Strategy (Tawalli and Tabarri) Controlled Initiative Strategy ("Fire at Will") Cohesion and Unity Strategy Enjoining Good and Forbidding Evil Strategy (Amr bil Ma'ruf wa Nahi anil Munkar) The outcome of this research involves a reinterpretation of the strategies outlined in the Second Phase statement, identifying various strategic policies, and presenting a novel conceptual framework for the revolutionary movement's strategy in advancing toward the envisioned future of the Islamic Revolution.

Keywords: Strategic Policy, Islamic Revolution, Second Phase Statement, New Islamic Civilization

1. Assistant Professor, Department of Culture and Media, Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom, Iran (Corresponding Author) (asd.1360@yahoo.com)
2. Master's degree in the development and propagation of religious culture and level 4 of Qom Seminary, Qom, Iran (mordadi0938@gmail.com)

راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب)*

روح‌اله عباس‌زاده^۱

سعید اسدی^۲

چکیده

نیل به اهداف عالی انسانی و تحقق جامعه مطلوب الهی از اهداف والای انقلاب اسلامی است و در این انقلاب تلاش می‌شود تا احدامکان، این اهداف محقق گردد؛ و کامل‌ترین شکل این وضعیت مطلوب در ظهور خورشید عظمای ولایت محقق خواهد شد؛ لذا انقلاب اسلامی از پیشران‌های زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است؛ پرسشی که مطرح می‌شود این است که راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی برای ورود به تحولات جهانی و زمینه‌سازی ظهور چیست؟ در آموزه‌های اسلامی و بیانیه گام دوم، بخشی از این راهبردهای تدبیری تبیین شده است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است تا با تحلیل محتوای بیانیه و سایر داده‌های تحلیلی و رویکردهای قرآنی، راهبردهای تدبیری انقلاب را نسبت به زمینه‌سازی طلوع خورشید عظمای ولایت مهدی عجل الله تعالی فرجه موعود عجل الله تعالی فرجه تبیین نماید. راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور عبارت‌اند از: راهبرد تقویتی نظام، راهبرد تولی و تبری، راهبرد آتش‌به‌اختیار، راهبرد انسجام‌بخشی و راهبرد امر به معروف و نهی از منکر. حاصل این تحقیق، بازخوانی راهبردهای بیانیه گام دوم، و شناسایی انواع راهبردهای تدبیری و ارائه ادبیات نوینی از راهبرد حرکت انقلابی برای ورود به آینده مطلوب انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی

راهبرد تدبیر، انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

براساس روایات مهم‌ترین دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رشد و تعالی بشر، عدالت فراگیر، رشد اخلاق و ایمان، اتحاد و همدلی، تعلیم و تزکیه، فلاح، سعادت و رستگاری، اصلاح، سلامتی جسمی و روحی جامعه، فزونی برکات، رفع فقر، امنیت عمومی، رشد علم و

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

۱. استادیار گروه فرهنگ و رسانه دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی عجل الله تعالی فرجه، قم، ایران (نویسنده مسئول) (asd.1360@yahoo.com).

۲. کارشناسی ارشد توسعه و تبلیغ فرهنگ دینی و سطح چهار حوزه علمیه، قم، ایران (mordadi0938@gmail.com).

نابودی کفر و حاکمیت جهانی اسلام و در یک کلمه تحقق تمام ویژگی‌های جامعه مطلوب الهی است (جعفری و ملایی، ۱۴۰۰: ۲۳۸). یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای تحقق خورشید عظمای ولایت، حضرت بقیة الله الاعظم است. به تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه، «انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است و انشاء الله با گسترش آن، قدرت‌های شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواجنا لتراب مقمه الفداه، مهیا خواهد شد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۵، ۲۱۲). بیانیه گام دوم انقلاب، مانیفست انقلاب اسلامی و چراغ راه چهل ساله دوم انقلاب است و برای بخش‌های مختلف نظام اسلامی معیارها و شاخص‌های جدیدی برای موفقیت در این گام و تحقق اهداف آن ترسیم کرده است. این بیانیه با هدف جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی، راهبردها و پیشران‌های مهمی را ارائه می‌دهد. سؤال پژوهش حاضر این است که راهبردهای انقلاب اسلامی برای آمادگی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی و رسیدن به آرزوی بشریت و بهار انسانیت چیست؟ راهبردها، شیوه‌های مؤثر، ابزار و امکانات مناسب و کاربست مناسب سایر منابع انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف نهایی و حرکت در مسیر آینده انقلاب را تعیین می‌کند. در بیانیه گام دوم، براساس شعارهای جاودانه انقلاب، به بخشی از این راهبردها اشاره شده است که ریشه در آموزه‌های وحیانی و قرآنی دارد.

علیرغم اهمیت بیانیه گام دوم انقلاب که پیشران‌های آینده انقلاب اسلامی در آن مطرح شده است، آن چنان‌که که شایسته است، تحقیقات مکفی، صورت نگرفته است. در برخی از منابع مثل کتاب تبیین بیانیه گام دوم اثر حجت‌الاسلام محسن مهاجرنیا که از سوی مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر منتشر شده از زوایای مختلف بیانیه را بررسی کرده است. از این نویسنده کتاب راهبردهای انقلاب اسلامی در دهه پنجم نیز منتشر شده است. همچنین مقاله «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)» توسط مهدی نادری در سال ۱۳۹۹ ارائه شده است که با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی با کاربست رویکرد تحلیل سیستمی سوات (SOWT) انجام شده است. اما در هیچ‌کدام از این مقالات به صورت مستقیم به راهبردهای تدبیری زمینه‌ساز ظهور پرداخته نشده است؛ بنابراین در تحقیق حاضر با عنایت به پژوهش‌های گذشته، با روش توصیفی تحلیلی، بیانیه گام دوم انقلاب بررسی شده، راهبردهای تدبیری زمینه‌سازی ظهور که به صورت صریح یا ضمنی مطرح شده است، ارائه گردیده است.

ادبیات مفهومی و نظری تحقیق

در این بخش به تعریف مفهوم راهبرد تدبیری و جایگاه امید به آینده بشریت اشاره می‌شود.

راهبرد تدبیری

راهبرد در لغت، عمل تجهیز و به‌کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت دستیابی به هدفی معین است (انوری، ۱۳۸۱: ۳۵۶۹). معادل این کلمه در زبان انگلیسی واژه استراتژی می‌باشد. که در متون فارسی، استراتژی را به معنای فنّ اداره عملیات جنگی یا دانش رهبری عملیات نظامی و سوق الجیشی به کار برده‌اند (معین، ۱۳۶۲: ۲۶۴-۲۶۵). راهبرد در اصطلاح، فن و علم توسعه و به‌کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت، هنگام جنگ و صلح، به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست است. هرگاه قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، در جهت دستیابی به اهداف نظامی یک ملت به کار می‌رود، راهبرد یا (استراتژی) نظامی نامیده می‌شود. به همین ترتیب برای هر یک از ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز می‌توان یک تعریف از استراتژی و راهبرد ارائه داد (روشندل، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۲۴۲). راهبرد، طرح یا الگوی جامعی است که با اتکا بر نیروی‌های توانمند، روش‌های روشن و دقیق، شیوه‌های مؤثر، ابزار و امکانات مناسب و سایر منابع، انقلاب اسلامی را در راه رسیدن به اهداف نهایی، یاری و مسیر حرکت آینده کشور را تعیین می‌کند که کدام اقدام در چه زمانی و مکانی باید ارائه شود و همچنین بهره‌بردن از شیوه‌های مناسب برای برداشتن موانع، اجتناب از خطرها و مشکلات احتمالی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌هاست (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۲۷).

راهبرد تدبیری نیز همان‌طور که از اسمش پیداست به یک دسته از راهبری‌ها، هدایت‌ها، جهت‌گیری‌ها و هدف‌گذاری‌هایی گفته می‌شود که به دنبال اصلاح وضعیت موجود هستند، دنبال دیدن مشکلات هستند، دنبال این هستند که از این وضع موجود به سمت وضعیت و آینده‌ی مطلوب هدایت و مدیریت کنند. در راهبردهای تدبیری، شناخت وضعیت موجود بسیار حائز اهمیت است، چرا که برای رساندن از وضعیت موجود به وضعیت آینده‌ی مطلوب، باید از وضعیت موجود آگاهی داشت و بعد از شناخت، جامعه را از وضعیت بحران، خارج کرده به معنای دقیق‌تر باید راه‌های برون‌رفت را در قالب راهبرد یا پیشران بیان و تبیین کنند.

در واقع راهبرد تدبیری در صدد این است که ما را از وضع موجود به وضع مطلوب راهبری کند به تعبیر دیگر با تحلیل نقاط قوت وضعیت محیط داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط

خارجی مسیر رسیدن به اهداف بلندمدت را فراهم سازد (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۶۱). راهبردهای تدبیری به شکلی روش مند به مطالعه آینده می پردازند و تصاویری برای رسیدن به آینده های ممکن و مطلوب، در اختیار صاحب نظران قرار می دهند تا در زمان حال، تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی را با توجه به سرعت حیرت انگیز زمان و پیوستن به تاریخ، رصد کنند و برای جلوگیری از غافل گیری و از دست رفتن سرمایه های نظری و انسانی به فهم دقیق و درست از آینده دست یابد؛ تا براساس این تصاویر آینده بتوانند به شکل کارآمد برای طراحی مطلوبیت های خویش تصمیم گیری نمایند؛ توانمندی ها و ظرفیت های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خود را سامان بخشند. این راهبردها می آموزد که انسان ها از چه مسیرهایی می توانند با سهولت بیشتری به آینده های مطلوب خود برسند.

خداوند از آن آینده خبر می دهد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (أنبياء: ۱۰۵) آینده طبق اراده تغییرناپذیر الهی، سرانجام نیک برای جهان و حاکمیت بندگان صالح خداوند است که حکم و نصرت الهی را به عنوان آینده قطعی به بندگان صالح و حق را نوید می بخشد؛ بنابراین تدبیر و هوشیاری در اسلام، با هدایت وحی، سعی در تعالی و تکامل به سوی آینده مطلوب (حیات طیبه، ایجاد تمدن نوین اسلامی، قرب الی الله و جانشینی خدا) دارد؛ تدبیر در دو بُعد جسمانی و روحانی یا مادی و معنوی می یابد.

در بیانیه گام دوم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای بر روی امید خیلی تأکید کرده اند. به این مضمون که اگر امید نباشد هیچ کدام از توصیه ها قابل تحقق نیست. توصیه های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش بینانه به آینده در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شده است (حسینی خامنه ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷) بر امید و نگاه خوشبینانه تأکید بسیار شده است و نقش سناریو و راهبرد نیز همین است ولی تفاوت هایی دارد، در جایی امید به بندگان می باشد و در جای دیگر خارج کردن مردم از وضعیت موجود است.

برای تبیین راهبرد تدبیری که شامل برون رفت از وضعیت موجود است دو مثال قرآنی ذکر می شود:

الف) نگاه به آسیب را دو گونه می توان مطرح کرد: یک نگاه مأیوس کننده که دلهره آور است. این نگاه می گوید که نظام از بین رفته و مشکل زیاد است، اما نگاه دیگر نگاه امیدوارکننده است؛ مانند نگاه قرآن به شهر مدینه. بعضی مسائل در مدینه، یأس آور بود، مانند شکست در جنگ، وضعیت بد اقتصادی، سیاسی و همچنین اختلافات، این امور روحیه

مسلمانان را تضعیف می‌کرد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُوتُوهَا عَوْجًا وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ (اعراف: ۸۶) اما خداوند وقتی می‌بیند بندگان او از لحاظ روحی روانی تضعیف شده اند به آنها دلداری و امید داد به آنها یادآوری کرد که شما هیچ نبودید تا همین جا هم که آمدید، قلیل بودید، ما شما را کثیر کردیم، از ابتدا قدرتی نداشتید ما به شما امکانات دادیم؛ قطعاً، نصرت الهی با شماست در واقع خداوند آنها را به آینده امیدوار می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۲).

ب) قوم حضرت موسی علیه السلام یک ملت ضعیف تحقیر شده بود، ملتی که زیر دست فرعون بزرگ‌ترین طاغوت زمان خود بود. قرآن برای آنها در آیه چهار سوره قصص، از کلمه «یستضعف» استفاده کرده است، قرآن بیان می‌کند که اینها تضعیف شدند و به حقوق آنها تجاوز می‌شد، طوری که مهاجران بنی اسرائیل به صورت بردگان و غلامان و کنیزان در چنگال قوم قبطیان گرفتار بودند. فقر و محرومیت، سراسر وجودشان را فراگرفته بود و سخت‌ترین کارها بر دوش آنها بود، بی‌آن‌که بهره‌ای داشته باشند هنگامی که می‌شنویم بعضی از فراغنه مصر برای ساختن یک قبر برای خود (هرم معروف خوفو که در نزدیکی پایتخت مصر قاهره قرار دارد) یک صد هزار برده را در طول بیست سال به کار می‌گیرد و هزاران نفر از آنها را در این ماجرا به ضرب شلاق یا از فشار کار به قتل می‌رسانند باید حدیث مفصل را از این مجمل بخوانیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ۱۱). با همه این اوصاف خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ﴾ (ابراهیم: ۵) بنی اسرائیل را از ظلمات به سوی نور خارج کن. این (أخرج) یک اخراج راهبردی است خداوند می‌فرماید: ای موسی این ملت را از ظلمات به سمت نور حرکت بده! نورانیت یک مصداق است، یعنی به سمت سعادت و نجات ببر؛ یعنی برای آنها توسعه و پیشرفت مادی و معنوی ایجاد کن.

بنابراین، نقش راهبرد می‌تواند متفاوت باشد در جایی نگاه امیدوارکننده به مردم می‌دهد و در جایی دیگر، خارج کردن مردم ظلمات و تاریکی را موجب می‌شود. راهبرد تدبیری در واقع راه‌های برون‌رفت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. پس از شناخت و آگاهی از امکانات وضع موجود و یافتن ارزش‌ها و اهداف بنیادین باید برای افزایش امکان دسترسی به آینده مطلوب و آرمانی تلاش کرد. برای رسیدن به چنین آینده‌ای نیاز است تا اهداف و راه رسیدن به آرمان‌ها جسورانه بیان شوند؛ لذا در این تحقیق، راهبردهای اساسی بیانیه گام دوم انقلاب در مقام تدبیر و راهبری انقلاب اسلامی به سوی اهداف متعالی و آرمان‌های مطلوب و

محمود آن در پنج راهبرد اصلی صورت‌بندی شده است که شامل راهبرد تقویت نظام، راهبرد تولی و تبری، راهبرد آتش‌به‌اختیار، راهبرد انسجام‌بخشی و راهبرد امر به معروف و نهی از منکر است که در ادامه به تفصیل به این راهبردها اشاره می‌شود.

راهبرد تدبیری تقویت نظام

مراد و مقصود از تقویت و حفظ نظام، نظام اسلامی، نظام اجتماعی اسلامی است و استعمالات متعددی از این واژه در واژه‌های مشابهی مانند (النظام) و (النظام الاسلامی) در منابع فقهی شیعه آمده است در اساس و اصل خود ریشه در نظام اجتماعی دارند. ادله‌ای هم که برای حفظ نظام برشمرده شده است، اصالتاً برای حفظ نظام اجتماعی است.

اما نکته قابل توجه این است که هر اجتماعی، ظرف تحقق نظمی خاص است. این به واسطه دخالت یک نظام به وجود می‌آید پس هر جامعه‌ای اولاً به اعتبار آن نظام، ثانیاً و بالعرض موصوف به وصف نظام می‌شود، هر جامعه به وسیله آن نظام، به دنبال نظم است تا به آرمان‌ها و اهداف متعالی بخش و آینده‌ی ایده‌آل برسد. این تفاسیر اجتماعی که وصف اسلامی دارد به این معناست که عده‌ای از افراد انسانی برای برپاداشتن نظم و قوام اجتماعی خود، به دنبال نظام می‌رفتند که آن نظام همان دین اسلام است که خود یک نظام (مجموع) محسوب شده و به وسیله قوانین خود، توانایی نظام‌بخشی و تقویت آن نظم و تنظیم امور یک جامعه را دارد. حفظ و تقویت نظام در زندگی انسانی، ارتباط محکمی با رعایت قانون دارد و چنان که در جای خود اثبات شده، حفظ و تقویت نظام به این بسته است که در میان ایشان قانونی باشد که همه آن را محترم شمرند و به حکومت آن تن در دهند (شهابی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۶۱). برخی از آیات و روایاتی که با استفاده از آنها می‌توان به اهمیت و تقویت و حفظ نظام در قرآن پی برد عبارت‌اند از:

﴿وَإِنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ (انعام: ۱۵۳) و قطعاً این راه من راست است آن را پیروی کنید، و از راه‌های دیگر نروید که شما را از راه حق دور می‌سازد.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) همگی به رشته خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید.

تا آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾ (آل عمران: ۱۰۵) و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آن که آیات روشن برای

(هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند.

این آیات به مسئله حفظ نظام و جامعه از تفرق و انشعاب اشاره نموده است. یکی از نکاتی که در ذیل این آیات مطرح می‌شود این است که خداوند سبحان امر به اعتصام جمعی کرده است و نه فردی، زیرا اعتصام فردی هدف از بیان حکم مورد نظر را تأمین نخواهد کرد؛ بنابراین عدم اجتماع بر این حکم، از علل تفرق، اختلاف و وقوع در مهلک است که همان از بین رفتن نظام است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ۲۱۲). در این آیات خداوند اول مردم را به اتحاد دعوت نموده است و ثانیاً مردم را از اختلاف و تفرقه نهی می‌کند تا ضرورت وحدت روشن شود. این آیات به طور مطلق و عموم، مردم را به اصل اتحاد و حفظ نظام دعوت می‌کند.

روایاتی که امامت را نظام دهنده جامعه و لازمه آن می‌دانند، چنانچه از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وُلاَّهُ اللهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۴) از کسی که خداوند کارها را به دست او سپرده اطاعت کنید، زیرا او نظام دهنده احکام اسلامی است در واقع لازمه حفظ و تقویت نظام، اطاعت از امام معصوم ﷺ و ولی است.

روایت‌های فراوان با این مضمون موجود است که والی ستمگر بهتر از هرج و مرج است؛ مثل: شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرموده: «امام ستمگر از فتنه بهتر است» (بحرانی ۱۴۲۷ق: ج ۲، ۱۰۳) بعد از باز خوانی آیات و روایات این جاست که پی می‌بریم امام خمینی رحمته الله علیه چرا با تعبیرهای متفاوتی به این راهبرد (حفظ نظام) پرداخته در واقع باید این راهبرد را با تعبیرهای امام خمینی رحمته الله علیه بشناسیم، چرا که امام خمینی رحمته الله علیه تربیت شده مکتب حضرت علی علیه السلام، با سخنان خود، بسیار زیبا و جالب اهمیت حفظ تقدس حکومت اسلامی را بیان کرده‌اند؛ امام در اول فروردین ماه سال ۱۳۶۲ در بخشی از سخنان خود در جمع مسئولان نظام به این امر مهم اشاره کرده و می‌فرمایند:

امروز مواجه با قدرت‌ها هستیم و آنها در داخل و خارج دارند طرح ریزی می‌کنند برای این که این انقلاب را بشکنند و این نهضت را، اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند و این یک تکلیف الهی برای همه که اهم تکلیف‌های است که خدا دارد، یعنی حفظ نظام جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشد اهمیتش بیشتر است برای این که امام عصر عجل الله تعالی فرجه هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام؛ همه انبیاء از صدر عالم تا حالا که آمدند برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ق: ج ۱۵، ۳۶۵).

این تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه به جهت تبیین اهمیت حفظ حکومت اسلامی می باشد و به خاطر اهمیت آن فقیهان از ضرورت بقاء نظام به وجوب حفظ نظام تعبیر نمودند تا به آن جا که برخی آن را یک قاعده فقهی بنیادین در فقه حکومتی و عمومی به شمار آورده اند. «حفظ نظام جمهوری اسلامی از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (همان: ج ۱۵، ۳۶۵) «آحاد مردم، یک یکی شان برای حفظ جمهوری اسلامی تکلیف دارند اهمیت آن از نماز بیشتر است، برای این که این، حفظ اسلام است» (همان، ج ۱۹، ۴۳۷).

آیت الله خامنه ای (مدظله) نیز تأکیدی در این خصوص دارند و حفظ نظام را یک معروف می دانند و می فرمایند:

بزرگ ترین معروف ها در درجه ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است و معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگ ترین معروف است (حسینی خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱/۱).

در واقع آموزه های اسلامی و عمل به تعالیم اسلامی در سایه انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلام در جهان قابل تحقق و عملی شدن است؛ لذا رسیدن به آینده ی مطلوب و آرمانی در گرو حفظ نظام و تداوم آن تا تحقق تمدن نوین اسلامی است. پرواضح است که یکی از راهبردهای تقویتی نظام، اتحاد و اجتماع مسلمین است؛ یعنی اگر مردم مسلمان با یکدیگر متحد باشند قوی تر و نظام متشکل از چنین مردمانی پایدارتر خواهد بود. می توان نتیجه گرفت حفظ و تقویت نظام اسلامی یک راهبرد عادی نیست، بلکه راهبرد کلانی است که بر همه ی ما واجب عینی است که این نظام را حفظ کنیم، چرا که اگر به این نظام ضربه ای بخورد، خداوند همه ما را مؤاخذه می کند چرا که حفظ نظام از ضروریاتی است که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به ترک آن نیست.

بعد از بررسی و مطالعه بیانیه گام دوم انقلاب بر هیچ کس مستور نیست که همان طور که امام خمینی رحمته الله علیه حفظ نظام را از اوجب واجبات می دانستند، آیت الله خامنه ای مدظله نیز در این بیانیه در جاهای مختلف با ادبیات مختلف توجه داده اند این انقلابی که حفظش از اوجب واجبات است به یک رشته مقدمات نیاز دارد، و نظام خود به خود حفظ نمی شود نیاز به یک رشته راهبردها، سازوکارها و زیرساخت ها دارد که این راهبردها مقدمه هستند، برای ذی المقدمه که حفظ نظام است؛ چرا که در اول بیانیه از شرایط خاص زمان انقلاب سخن می گویند (این که این انقلاب از نقطه صفر آغاز شد، همه چیز بر علیه ما بود و...) که شناخت

آن شرایط برای نسل امروزه لازم است؛ چون هویت این انقلاب، در آن زمان شکل گرفته است، بعد از شناخت، درس‌آموزی و عبرت‌گیری از تجربه‌های طی شده‌ی چهل ساله این انقلاب است این دو مورد و هفت توصیه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در بیانیه گام دوم که عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی، را می‌توان به‌عنوان مقدمات حفظ نظام اسلامی نام برد که هر کدام از هفت توصیه نقش بزرگی را در حفظ نظام ایفا می‌کنند. در واقع راهبرد تدبیری این آینده‌پژوهی، دوراندیشی و این تدبیر را به ما می‌آموزد که برای تقویت و حفظ نظام، این راهبردها این توصیه‌ها را رعایت کنید و برای به‌دست‌آوردن تک‌تک این توصیه‌ها، تمام سعی و تلاش خود را به کار گیرید، چرا که حفظ نظام، مستلزم این مقدمات و اتحاد و همبستگی است.

از حکمت‌های غیبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم ترس از قتل امام، نداشتن یاران کارآمد، عدم بیعت با حاکمان ظالم و گناهان و اختلاف ذکر شده است، نظام اسلامی قوی و مستحکم می‌تواند بسیاری از این دغدغه‌ها را رفع کرده، زمینه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الکریم را فراهم می‌نماید.

راهبرد تدبیری تولی و تبری

تولی و تبری برای یک مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است و به منزله چراغی است که در تاریکی، مسیرش را روشن می‌سازد و او را به سمت آینده‌ی روشن هدایت و راهنمایی می‌کند. اگرچه تولی و تبری جزو فروع دین شمرده شده، اما از آن جهت که اساس دین در حُب و بُغض جهت نهاده شده است «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۱۲۹) اهمیت این موضوع را نمی‌توان کمتر از اهمیت اصول و ارکان اسلام دانست؛ بنابراین می‌توان از بطن و متن این دو اصل (تولی و تبری) راهبردهای کلان و راهکارهای ارزنده‌ای را در جهت توسعه روابط، حل معضلات اجتماعی و تقویت جمهوری اسلامی ایران استخراج نمود. نکته قابل توجه این‌که تولی و تبری با این هیئت ترکیبی در قرآن نیامده، ولی ماده و مشتقات آن در مفهوم دوستی و سرپرستی و یاری، واژه تبری و برائت به معنای بیزاری و دوری جستن، در آیات به کار رفته است. این دو دستور به قدری مهم است که در آیات قرآن به‌عنوان نشانه ایمان و در روایات اسلامی به‌عنوان (أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ) محکم‌ترین دستگیر ایمان، معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۶، ۲۳۶) و تا تولی و تبری نباشد، بقیه اعمال عبادت و اطاعت بی حاصل شمرده شده است.

آیات (ممتحنه: ۴)، (ممتحنه: ۱۳)، (توبه: ۷۱)، (آل عمران: ۲۸)، (توبه: ۲۳) و ﴿مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹) محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند، اینها خصوصیات مؤمن است، در واقع قرآن می‌خواهد که این‌گونه باید باشید، اَوَّلُ ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾؛ در مقابل کفار سخت ایستادن، مثل خاکریزهای نرمی که قابل نفوذ نبودن است، مثل سدّ مستحکمی در مقابل کفار ایستادن، مسلمان‌ها باید در مقابل استکبار بایستند؛ مسلمان‌ها باید در مقابل زورگویی آمریکا و بقیه‌ی زورگوهای عالم بایستند؛ اگر این را رعایت نکنند، اگر این مرزها را توجّه نکنند، ذلیل خواهند شد، دچار فساد خواهند شد، دچار عقب‌ماندگی خواهند شد (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۲/۶). با این اصل قرآنی و اسلامی، می‌توان در تمام مسائل زندگی اعم از مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و آخرتی و دنیایی و... تأثیر مستقیم گرفت. از سوی دیگر، این اصل یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و بقای وحدت و انسجام ملی و دشمن‌شناسی و در نتیجه، امنیت در تمام جنبه‌های آن محسوب می‌شود، و از این جهت راهبرد مهمی در تقویت و بهبود انقلاب اسلامی است.

در خصوص اهمیت تولی و تبری همین بس که «كُلُّ مَنْ لَمْ يَجِبْ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يَبْغِضْ عَلَى الدِّينِ، فَلَا دِينَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۳۲۲) کسی که دوستی و دشمنی‌اش براساس دین نباشد، دین ندارد. علاوه بر آن اگر بخواهیم اهمیت این راهبرد را دریابیم باید فلسفه تولی و تبری را جستجو کنیم که عبارت‌اند از:

تأمین امنیت دین و عزّت جامعه: ارزش‌های اسلامی باید امنیت پیدا کند، یعنی ارزش‌های کفر، ارزش‌های شرک و ارزش‌های دشمنان به ما تعرض نکنند؛ اسلام از ابتدا درباره مقوله کفر و کافر و شرک و مشرک مرزبندی کرد؛ با دستورالعمل‌های کلی، براءت از شرک و کفر را اعلام نمود و در مقابل، با قراردادن محوریت ولایت مؤمنان، آنها را در قالب امت واحده سامان داد.

انسجام بخشی و وحدت جامعه و همبستگی امت: جامعه اسلامی در صورتی از خطرات و حملات بیگانگان سالم می‌ماند که درون افراد آن جامعه، اتحاد و همبستگی وجود داشته باشد و این وحدت و اتحاد بین تمام افراد موحد و مسلمانان یکی از مهم‌ترین آثار اجتماعی تولی و تبری است؛ لذا اسلام براساس اصل تولی و تبری از مسلمانان خواسته است که این وحدت و انسجام را به وجود آورند و یکپارچه در مقابل کفر و باطل به ستیز بپردازند تا در صحنه‌های مبارزه و تلاش و اتحاد و استقلال بتوانند راه تکامل دنیوی و اخروی خویش را ببینند.

دشمن‌شناسی: دشمن‌شناسی یعنی شناخت دشمن، دسته‌بندی دشمنان به تناسب نوع

دشمنی و ایجاد خط قرمز با آنهاست که قرآن به صورت مشخص، دشمنان را دسته‌بندی و معرفی کرده است که خلاصه نگاهشته خواهد شد؛ اولین مرتبه، برائت از کفار است، کفار کسانی هستند که حق، ایمان و دین را می‌پوشانند و قصد نابودی آن را دارند (جوهری، ۱۴۰۴: ذیل واژه کفر). دومین مورد مشرکانند، کسانی که برای خدا شریک قائل هستند، کسانی که بت را واسطه برای رسیدن به خدا می‌دانند، در زمان پیامبر اسلام مشرکین کسانی بودند که به مسیحیت، یهودیت، صابئیت و... اعتقاد داشتند، باید از این گروه نیز برائت بجوئیم. سومین مورد دشمن محارب است دشمنانی که با مسلمانان سر جنگ دارند؛ در واقع دشمن واژه عامی دارد و شامل هر کسی که با مسلمانان دشمنی کند می‌شود، یعنی اگر امروزه، مذاهب اسلامی، مثل وهابیت، دشمن ما بشود جزء مصادیق تبری است، همان گونه که آمریکا دشمن ماست. اما قرآن در مورد دیگر مذاهب سکوت کرده، مذاهبی که شهادتین را می‌گویند و به توحید اعتقاد دارند و در واقع کافر نیستند، آنها مصداق موضوع تبری نیستند. بنابراین باید این نکات در جامعه تفکیک شود تا سوال‌هایی همچون تعارض بین برائت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیش نیاید. باید دقت داشت که اصل تولی و تبری، درگفتار و سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در کنار یکدیگر و مکمل یکدیگر بودند، زیرا پرداختن به یکی و دوری از دیگری، جدا ماندن از هدف‌های شریع این دو آموزه است و به نوعی این دو مفهوم لازم و ملزوم یکدیگرند.

شناخت دشمن در عرصه مباحث مهدویت و انکار، کتمان، تخریب، تحریف و بدل‌سازی آموزه‌های مهدوی توسط آنان و تضعیف روحیه انقلابی‌گری و جهادی، موجب می‌شود تا منتظران با آگاهی و شناخت کامل، مقدمه‌ساز ظهور حضرت باشند و در جنگ ترکیبی دشمن، با جهاد ترکیبی، مقابله کنند و در طرف مقابل استحکام دوستی و مودت میان مؤمنان و تکمیل اخوت ایمانی، زمینه‌ساز ظهور خواهد بود.

راهبرد تدبیری آتش‌به‌اختیار

آتش‌به‌اختیار اصطلاح نظامی خاصّ صحنه‌ی نبرد سخت است که در زمان فقدان فرماندهی میدان جنگ و یا قطع ارتباط او با قرارگاه به کار برده می‌شود، در چنین شرایطی نیروهای عمل‌کننده با استفاده از ابتکار و خلاقیت خود و بدون قرار گرفتن در موضع انفعال، می‌کوشند تا نقش مؤثری در مقابله با حملات دشمن ایفا نموده و مغلوب خصم نگردند، این اختیار در تشخیص و انتخاب تاکتیک و اقدام مناسب، تنها در صورتی است که امکان هدایت تحت فرماندهی واحد از میان رفته باشد و در آن زمان، سنجش مسائل اصلی و فرعی

و انتخاب اولویت‌ها توسط نیروهای آتش‌به‌اختیار انجام خواهد شد. رهبر انقلاب این تعبیر را از ادبیات نظامی به فضای فرهنگی و اجتماعی کشور وارد نمودند، و در زمینه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و جهادی کشور در جمع تشکل‌های دانشجویی ایراد فرمودند (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۳/۸). در واقع آیت‌الله خامنه‌ای با به کار بردن اصطلاح آتش‌به‌اختیار به ابداع گفتمانی نوین در ادبیات انقلاب اسلامی مبادرت نمودند که از دیدگاه مفهومی ناظر بر شکل‌گیری هسته‌های اصلی فکری، فرهنگی، علمی، اجتماعی و جهادی کشور است که در نهایت می‌تواند راهنمای جامعی برای دلسوزان و نخبگان جامعه برای اقدام و عمل براساس مصالح نظام اسلامی و به مقتضای ابعاد جنگ نرم دشمنان باشد. ایشان در توضیح آتش‌به‌اختیار اشاره می‌کنند:

آتش‌به‌اختیار معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را (کارهای فرهنگی را) پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش‌به‌اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیشی و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیت کشور، و مراقب حفظ قوانین (باشند)؛ این مراقبت‌ها در درجه‌ی اول متوجه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و مایل‌اند که کشور به سمت هدف‌های خود حرکت بکند (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۴/۵).

راهبرد آتش‌به‌اختیار یکی از راهبردهای بسیار مهمی است که می‌تواند ما از وضعیت موجود خارج کند؛ به شرط آن که درست معنا شود والا هرج و مرج پیش می‌آید (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۹۰). مبنا و شاکله این راهبرد، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل جهاد اکبر و اصل مسئولیت اجتماعی انسان‌هاست، چرا که انسان در اجتماع نه تنها نسبت به خانواده، بلکه نسبت به جامعه‌ی خویش نیز دارای وظایف و تعهداتی است که متناسب با آن می‌تواند از حقوق و امتیازات شهروندی برخوردار باشد. در نتیجه این اصل ارتباط مستقیم با فرمان آتش‌به‌اختیار دارد. روایات رسیده، از پیامبر ﷺ و ائمه اهل‌بیت نیز تأکیدی بر اجتماعی بودن انسان و تلاش او برای ساختن جامعه‌ای سالم و متعالی است «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (شعیری، بی‌تا: ۱۱۹). همه‌ی شما نگهبان و مسئول (عملکرد و رفتار) یکدیگر هستید؛ بنابراین نمی‌توان مسئولیت حفظ جامعه از بلاها و آسیب‌ها و تلاش برای ارتقای همه‌جانبه جامعه را

تنها بر دوش حکومت انداخته و دیگران را بی‌مسئولیت خواند، آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از این روایت، ضمن مسئول دانستن همه مردم، پیشرفت را آن نوع تحولی می‌داند که در پیوندها و نظام‌های اجتماعی به چنین حقایقی منتهی شود؛ به عبارت دیگر، پیشرفتی مورد نظر اسلام است که مبتنی بر مسئولیت اجتماعی باشد.

با نظر به این‌که انسان موجودی اجتماعی است و در میان اجتماع زندگی می‌کند، می‌توان آتش‌به‌اختیار را در شرایط مخصوص به آن، حکمی بدیهی دانست که عقل، جواز آن را تأیید نموده و حتی انجام آن را ضروری می‌داند؛ زیرا در رکود جوامع، عقل به دنبال راهی برای حرکت به سوی کمال و خروج از خمودی است. آتش‌به‌اختیار یعنی در هیچ شرایطی نباید ساکت ماند و منتظر اقدام دیگران بود. آتش‌به‌اختیار، حرکتی خودجوش برای خدا، به منظور اصلاح جامعه و خروج از بحران‌های پیشرو و نیز مقابله با هجوم دشمنان است که باید در چارچوب فقه حکومتی و اهداف تعیین شده اقدام شود.

آتش‌به‌اختیار، دارای چارچوب فقه حکومتی است، طبیعتاً نمی‌توان آتش‌به‌اختیار برگرفته از مبانی همچون امر به معروف و نهی از منکر جهاد کبیر را بدون چارچوب و اصول دانست؛ حرکت به صورت آتش‌به‌اختیار نیز دارای نظام، اصول، چارچوب‌ها و قواعدی است که در اجرای صحیح آن بایستی مورد توجه قرار گیرد.

در نتیجه آتش‌به‌اختیار تعبیری نو از مفاهیمی قدیمی است که دین اسلام به بیان‌های مختلف، افراد جامعه اسلامی را به آنها فراخوانده است. این مطلب ریشه در بسیاری از مفاهیم دینی چون امر به معروف و نهی از منکر، جهاد کبیر و مسئولیت‌پذیری دارد و از طرفی عقل نیز از وجوه متعددی به جواز آن حکم می‌کند. فرمان آتش‌به‌اختیار توسط آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) در حوزه‌ی فرهنگ و مسائل فرهنگی صادر شده است و افسران جنگ نرم را به جهاد و مبارزه در این مسیر فراخوانده است؛ لکن این به معنای انحصار در این حوزه نیست و می‌توان صدور این فرمان را در دیگر حوزه‌های اجتماع نیز در زمان‌های آتی متصور بود. منتظران با توسل به این راهبرد، در هر موقعیتی که می‌بینند در عرصه تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی کم‌کاری صورت می‌گیرد، با احساس مسئولیت ورود کرده و تمام تلاش خود را زمینه‌سازی برای ظهور را انجام می‌دهند و به وظایف فردی و اجتماعی خود در این زمینه عمل می‌کنند.

راهبرد تدبیری انسجام بخشی

راهبرد انسجام بخشی عاملی است که از تفرقه افکنی قدرت های مسلط جهانی بین مسلمانان جلوگیری می نماید و منجر به تشکیل جبهه واحد اسلامی می گردد. با این راهبرد دستیابی به اهداف متعالی و آرمان ها سریع تر و بهتر حاصل می شود، داشتن اتحاد باعث افزایش انگیزه و متمرکز شدن نیروها می شود و این ایجاد انگیزه در میان کشورهای اسلامی باعث می شود تا در قبال بحران های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان مواضع روشن و متحدی اتخاذ نمایند.

آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) در تشریح این مفهوم می فرمایند:

اتحاد ملی، یعنی یکپارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملت های مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملت های اسلامی محکم تر کنند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم، نباید خودمان را سرگرم فروعی کنیم که مورد اختلاف است (حسینی خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۶/۱/۱).

باید دقت داشت که این راهبرد فراتر از اتحاد ملی و در برگیرنده تمام مسلمین جهان با تمام دیدگاه ها، اعتقادات، مذاهب و فرق است، براین اساس آن گروه های مختلف مسلمانان ضمن این که عقاید و آیین خود را حفظ می نمایند با پیروی از اصول و پایه های سعادت بخشی که توسط پیامبر اسلام ﷺ تحت دین کامل و جامع اسلام برای آنها آمده و با تأکید بر افکار و اعتقادات مشترک و با دوری از تفرقه و اختلاف در کنار یکدیگر در مقابل دشمنان مقابله می نمایند، و از دامن زدن دشمنان به قوم گرایی، فرقه گرایی و اختلافات جزئی جلوگیری می کند. از اول انقلاب، اتحاد و وحدت کلمه جزء شعارهای اصلی امام خمینی رحمته الله علیه بود، ادبیات امام خمینی رحمته الله علیه روی وحدت کلمه بود. امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران با کشف رمز و قدرت اعجاز آمیز وحدت، موجب تحقق اتحاد ملی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در ایران و بیداری اسلامی در جوامع مسلمانان سراسر جهان گردیدند؛ لذا راهبرد انسجام و اتحاد ملی از این جهت که امام خمینی رحمته الله علیه با تکیه به این راهبرد انسجام و وحدت توانستند میان گروه های قومی و اقلیت های مذهبی و همه اقشار جامعه ایران اتحاد ایجاد کنند بسیار حائز اهمیت است، لذا این راهبرد انسجام و اتحاد ملی می تواند در حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، ما را یاری نماید (اسدی، ۱۳۹۹: ۷۳).

انسجام و مسئله وحدت از مسائل مهم و ارزشمندی است که مورد تأکید قرآن واقع شده

است و در مقابل آن تفرقه، نفاق، و اختلاف، اموری ناپسند هستند که قرآن مسلمانان را از آنها برحذر داشته است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳). همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید (حجرات: ۱۰). در واقع خداوند در این آیات مسلمانان را دعوت به وحدت کرده است و آنان را از تفرقه نهی کرده است. و محور وحدت باید دین خدا باشد، نه نژاد، زبان، ملیت و... (قرآنی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۵۷۷). بنابراین وحدت و انسجام این است که، وحدت صرف اجتماع و اتحاد نیست این وحدت باید بر محوریت توحید باشد، باید در سایه قرآن و اسلام باشد چون قبل از بر حذر داشتن از تفرقه دستور داده شده که همه به ریسمان الهی تکیه کنید یعنی وحدت با محوریت دستور خداوند و اسلام باشد.

امام خمینی رحمته الله علیه برای اهمیت وحدت و انسجام میان مسلمانان، یک هفته در سال را در ایران، به عنوان هفته وحدت مذاهب اسلامی و فریق اسلامی در جهت‌گیری‌ها و در گرایش‌های عمومی، سیاسی و اجتماعی اعلام کردند، چراکه این راهبرد به ما می‌آموزد که برخی از آموزه‌های اسلامی که از ما گرفتن را باید احیا کنیم، باید فرهنگ اخوت اسلامی را ایجاد کنیم، چرا که اخوت و برادری اسلامی شکل حقیقی و ناب وحدت است و شرط تحقق قدرت اسلام و بقای استمرار و دوام آن است. با چنین وحدت و انسجامی تمام مشکلات مسلمانان حل می‌شود؛ چون هیچ قدرتی توان برخورد با آنان و سرزمین‌های آنان را نخواهند داشت. در واقع درمان اصلی درد جامعه اسلامی وحدت و انسجام اسلامی بر پایه آموزه دینی ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰) می‌باشد. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن به آن فرموده است پیدا بشود، که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن باشند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ۸۸).

از بهترین راهبردهای ائمه شیعه در مقابل سیل مهاجم دشمنان اسلام و مکتب شیعه، راهبرد همدل نمودن شیعیان بوده است؛ این راهبرد، یکی از وظایف اجتماعی شیعیان را نشان می‌دهد (جعفری و ملایی، ۱۴۰۰: ۱۷۶). از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که علت عدم تحقق ظهور برای شیعیان، نبود همدلی و انسجام در بین شیعیان است.

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا

مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۷۷)؛

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعت شان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

بنابراین راهبرد همدلی و انسجام اجتماعی که در انقلاب اسلامی مورد توجه بوده است می تواند زمینه ساز ظهور باشد.

راهبرد تدبیری امر به معروف و نهی از منکر

دلیلی که باعث می شود فریضه امر به معروف و نهی از منکر ذیل راهبرد تدبیری قرار گیرد، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر است که با کمک روایات و مجموعه دیدگاه ها به دست آمده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

واکسیناسیون (مصونیت) و سالم سازی جامعه: این چیزی است که به عنوان یک راهبرد از امر به معروف و نهی از منکر انتظار می رود. جامعه دقیقاً مثل بدن انسان است، بدن را باید دائماً تغذیه کرد، پرورش داد، از او نگهداری کرد، جامعه نیز این گونه است، بلکه جامعه بیشتر از یک بدن نیاز به مراقبت دارد؛ چرا که عوامل متعددی در جامعه مطرح است و محدود به یک پیکره نیست که قابل کنترل باشد، جامعه ایرانی قریب به نود میلیون انسان دارد که به لحاظ های قومی، زبانی، مذهبی، فکری، منافع و... بسیار ناهمگون و متنوع هستند؛ جامعه ای که به شدت زیر ذره بین دنیای کفر و استکبار است، چرا که همه قدرت های زورگوی دنیا خواستار نابودی جمهوری اسلامی ایران هستند به همین دلیل وضعیت جامعه اسلامی در شرایط خاصی قرار دارد. در این وضعیت است که امر به معروف و نهی از منکر به جامعه مصونیت می بخشد، جامعه را شاداب کنند، و دائماً به جامعه معنویت تزریق می کند. نکته قابل توجه این که دو مورد از هفت توصیه آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) در بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، را می توان جزو آثار امر به معروف و نهی از منکر دانست چرا که یکی از آثار امر به معروف تزریق معنویت و اخلاق و گسترش عدالت، مبارزه با فساد را آثار نهی از منکر دانست (اسدی، ۱۳۹۹: ۳۵). در همین رابطه آیت الله خامنه ای می فرماید:

قوام، رشد، کمال و صلاح هر نظام اسلامی، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۴۵).

و امر به معروف یعنی شما همه مسئول هستید که معروف و نیکی را گسترش دهید، به آن امر کنید؛ نهی از منکر (یعنی) زشتی، بدی و پلشتی را نهی کنید؛ و جلوی آن را با شیوه‌های مختلف بگیرید (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۹/۶).

نکته قابل توجه این است منشأ نظریه انقلاب، امر به معروف و نهی از منکر است، یعنی فرضیه و نظریه انقلاب از دل امر به معروف استخراج می‌شود و نهی از منکر یعنی ابتدا با زبان، قلب و دست باید یک طاغوت را نهی کرد اگر زیر بار نرفت باید دست به تحول و دگرگونی زد و باید انقلاب کرد. این، یک امر عقلایی است که از دل امر به معروف و نهی از منکر بیرون می‌آید. این همان سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود:

قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۸۰)

قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر است.

جلوگیری از انحرافات و مفسدات: با امر به معروف می‌شود جلوی مفسدات را گرفت قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛
شما بهترین امت هستید چرا که به راهبرد امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنید.

واپایش آسیب‌ها: امر به معروف و نهی از منکر زمینه‌ساز تربیت سالم و مؤثر در پیشگیری از آسیب‌هاست و حساسیت عمومی در برابر گناه ایجاد می‌کند که نمی‌گذارد، فرد و جامعه به سوی بی‌بندوباری و سقوط پیش رود و یکی از شاخص‌های مهم اسلام محسوب می‌شود که در هر شرایط قابل اجراست؛ زیرا انجام دیگر واجبات، امنیت و آسایش، رفاه و آرامش، تأمین حقوق مردم، همه در گرو عمل به این دو فریضه است؛ چرا که معروف تمام اعمال و رفتارهایی است که مصلحت مردم در آن است و منکر نیز به تمام کارهای زشتی است که فساد و تباهی در پی دارد. از این رو هرگاه در جامعه‌ای این فریضه مهم به اجرا گذاشته نشود و افراد در قبال پیاده‌شدن این امر خطیر احساس مسئولیت نکنند مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود.

به بیان دقیق‌تر راهبرد امر به معروف و نهی از منکر می‌آموزد که وظیفه ما در مقابله با مشکلات و مفسدات، حفاظت، حراست، نگهبانی و کلید مهار است، یعنی باید طوری عمل کرد که

مفاسد به وجود نیاید و اگر مفاسدی ایجاد شد باید گسترش پیدا نکند و... به تعبیر دیگر عمل به این دو فریضه به جامعه اسلامی کمک می‌کند تا آسیب‌های آن جامعه، شناسایی شوند و بعد از شناسایی آسیب‌ها، این قابلیت را دارند که مقابل آسیب‌ها بایستند و از گسترش آنها جلوگیری کنند؛ لذا راهبرد اصلاح‌گری، برای اصلاح جامعه و از بین بردن موانع استقرار حاکمیت امام حائز اهمیت بوده و زمینه‌ساز شرایط اجتماعی برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تحقق اهداف والای انسانی و زمینه‌سازی برای ایجاد جامعه مورد نظر پیامبران و شاهد بودن بهار انسانیت از اهداف انقلاب اسلامی بوده است؛ سؤال پژوهش حاضر چگونگی تحقق این اقدام و راهبردهای زمینه‌سازی برای ظهور بود. این تحقیق باهدف بررسی راهبردهای انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب برای زمینه‌سازی ظهور خورشید عظمای ولایت انجام گرفت؛ زیرا امر مهمی مانند ظهور، نیازمند یاران توانمند، فراهم آوردن شرایط و ایجاد آمادگی‌های لازم است. پس از بررسی‌های انجام‌گرفته، پنج راهبردی که با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب حاصل شد ارائه گردید که شامل راهبرد تقویت نظام، راهبرد تولی و تبری، راهبرد آتش‌به‌اختیار، راهبرد انسجام‌بخشی و راهبرد امر به معروف و نهی از منکر است. اگر این راهبردها در انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد علیرغم تحولات سریع جهانی، زمینه تحقق ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خواهد شد. با تقویت نظام اسلامی، زمینه دفاع از حضرت و مقدمه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌گردد. با راهبرد تولی و تبری، مواجهه صحیح با دوستان و دشمنان فراهم می‌شود. با راهبرد آتش‌به‌اختیار و امر به معروف و نهی از منکر، احساس مسئولیت و آمادگی همه‌جانبه برای تک‌تک شیعیان و منتظران برای اقدام در عرصه‌های مورد نیاز برای و مصون‌سازی نیروهای انقلاب برای نقش‌آفرینی در این عرصه فراهم می‌گردد. با راهبرد انسجام‌بخشی نیز، همدلی و همراهی شیعیان برای وفای به عهد با امام‌شان فراهم شده و زمینه دیدار با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و تشکیل حکومت جهانی ایشان فراهم می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اسدی، سعید (۱۳۹۹)، *راهبردهای انقلاب اسلامی براساس بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری با تأکید*

- بر مبنای قرآنی، رساله علمی سطح ۳، حوزه علمیه قم.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم (۱۴۲۷ق)، شرح نهج البلاغه، قم: انوار الهدی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح: جمال‌الدین محمد خوانساری، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- جعفری، محمد صابر؛ ملایی، حسن (۱۴۰۰)، درس‌نامه مهدویت راهبر، قم: نشر معارف.
- جوهری، اسماعیل ابن حماد (۱۴۰۴ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، راهبردها، خطرها (مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی)، تهران: سروش.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶)، بیانات در جمع زائران حرم امام رضا علیه السلام.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸)، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، بیانات در حرم مطهر رضوی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، بیانات خطبه‌های نماز عید فطر.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تحلیل آن، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۰)، تحول در مفهوم استراتژی، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف: مطبعة الحیدریة.
- شهابی، محمود (۱۳۸۷)، ادوار فقه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحدیث.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ لغت، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۷)، راهبردهای انقلاب اسلامی در دهه پنجم، قم: نور مطاف.
- مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۰)، تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قم: مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر.
- نادری، مهدی (۱۳۹۹)، راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی